

آیہ ۱۴۱

آیہ و ترجمہ

و هو الذی انشا جنت معروشت و غیر معروشت و النخل و الزرع مختلفا کله و الزيتون و الرمان متشبهها و غیر متشبهہ کلوا من ثمرہ اذا اثمر و اتواحقہ يوم حصادہ و لا تسرفوا انہ لا یحب المترفین ۱۴۱

ترجمہ :

۱۴۱ - او است کہ باغهای معروش (باغهایی کہ درختانش روی داربستها قرار می گیرند) و باغهای غیر معروش (درختانی کہ نیاز بہ داربست ندارند) آفرید، و همچنین نخل و انواع زراعت را کہ از نظر میوہ و طعم با ہم متفاوتند و (نیز) درخت زیتون و انار را کہ از جہتی با ہم شبیہ و از جہتی تفاوت دارند (برگ و ساختمان ظاہریشان شبیہ یکدیگر است در حالی کہ طعم میوہ آنها فوق العادہ متفاوت) از میوہ آن بہ هنگامی کہ بہ ثمر می نشیند بخورید و حق آن را بہ هنگام درو پیردازید، اسراف نکنید کہ خداوند مسرفین را دوست نمی دارد.

تفسیر :

یک درس بزرگ توحید

در این آیہ بہ چند موضوع اشارہ شدہ است کہ ہر کدام در حقیقت نتیجہ دیگری است.

نخست می گوید: خداوند همان کسی است کہ انواع باغها و زراعتها بادرختان گوناگون آفریدہ است کہ بعضی روی داربستها قرار گرفتہ، و بامنظرہ

بدیع و دل انگیز خود چشمہا را متوجہ خویش می سازند، و با میوہهای لذیذ و پر برکت کام انسان را شیرین می کنند، و بعضی بدون احتیاج بہ داربست بر سر پا ایستادہ و سایہ بر سر آدمیان گستردہ، و با میوہهای گوناگون بہ تغذیہ انسان خدمت می کنند (و هو الذی انشا جنات معروشات و غیر معروشات). مفسران در تفسیر کلمہ معروش و غیر معروش سہ احتمال دادہ اند:

۱ - همان که در بالا به آن اشاره شد، یعنی درختانی که روی پای خود نمی ایستند و نیاز به داربست دارند، و درختانی که بدون نیاز به داربست روی پای خود می ایستند. (زیرا عرش در لغت به معنی برافراشتن و هر موجود برافراشته است و به همین جهت به سقف و یا تخت پایه بلند، عرش گفته می شود)

۲ - منظور از معروش درخت اهلی است که به وسیله دیوار و امثال آن در باغها حفاظت می شود و غیر معروش درختان بیابانی و جنگلی و کوهستانی است.

۳ - معروش درختی است که بر سر پا ایستاده و یا به روی زمین بلند شده اما غیر معروش درختی است که به روی زمین می خوابد و پهن می شود. ولی معنی اول مناسبتر به نظر می رسد، و شاید ذکر معروشات در آغاز سخن به خاطر ساختمان عجیب و شگفت انگیز این گونه درختان است، یک نگاه کوتاه به درخت انگور و ساقه و شاخه پر پیچ و خم آن، که با قلابهای مخصوصی مجهز است، و خود را به اشیاء اطراف می چسباند تا کمر راست کند، شاهد این این مدعا است.

سپس اشاره به دو قسمت از باغها و جنات کرده می گوید: و همچنین درختان نخل و زراعت را آفرید (و النخل و الزرع). ذکر این دو بالخصوص به خاطر آن است که از اهمیت ویژه ای در زندگانی بشر و تغذیه او برخوردارند (توجه داشته باشید که جنت هم به باغ و هم

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۴

به زمینهای پوشیده از زراعت گفته می شود). بعد اضافه می کند که این درختان از نظر میوه و طعم با هم متفاوتند یعنی با اینکه از زمین واحدی می رویند هر کدام طعم و عطر و خاصیتی مخصوص به خود دارند، که در دیگری دیده نمی شود (مختلفا کله). سپس اشاره به دو قسمت دیگر از میوه هائی می کند که فوق العاده مفید و دارای ارزش حیاتی هستند، و می گوید: همچنین زیتون و انار (والزیتون و الرمان)

انتخاب این دو ظاهرا به خاطر آن است که این دو درخت در عین اینکه از نظر ظاهر با هم شباهت دارند، از نظر میوه و خاصیت غذائی بسیار با هم متفاوتند لذا بلافاصله می فرماید هم با یکدیگر شبیهند و هم غیر شبیه (متشابهها و غیر

(متشابه)

پس از ذکر این همه نعمتهای گوناگون، پروردگار می گوید: از میوه آنها به هنگامی که به ثمر نشست، بخورید ولی فراموش نکنید که به هنگام چیدن، حق آن را باید ادا کنید) (کلوا من ثمره اذا اثمر و اتوا حقه يوم حصاده). و در پایان، فرمان می دهد که اسراف نکنید، زیرا خداوند مسرفان رادوست نمی دارد (و لا تسرفوا انه لا يحب المرفين). اسراف به معنی تجاوز از حد اعتدال است، و این جمله می تواند اشاره به عدم اسراف در خوردن و یا عدم اسراف در بخشش بوده باشد، زیرا پاره های از اشخاص به قدری دست و دل بازند که هر چه دارند به این و آن می دهند و خود و فرزندان شان معطل می مانند.

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۵

نکته ها

در اینجا به چند نکته باید توجه کرد:

- ۱ - پیوند آیه با آیات قبل - در آیات گذشته از این سوره، سخن از احکام خرافی بت پرستان در میان بود، که از زراعت و چهارپایان نصیبی برای خدا قرار می دادند، و عقیده داشتند که این سهام باید به شکل مخصوصی مصرف گردد، و سوار شدن بر پشت بعضی از چهارپایان را تحریم می کردند و بچه های خود را برای بعضی از بتها قربانی می نمودند. آیه فوق و آیه ای که بعد از این می آید در حقیقت پاسخی به تمام این احکام خرافی است، زیرا صریحا می گوید خالق تمام این نعمتها خدا است، او است که همه این درختان و چهارپایان و زراعتها را آفریده است و هم او است که دستور داده از آنها بهره گیرید و اسراف نکنید، بنابراین غیر او نه حق تحریم دارد و نه حق تحلیل.
- ۲ - در اینکه جمله اذا اثمر (هنگامی که میوه دهد) با ذکر کلمه ثمره قبل از آن چه منظوری را تعقیب می کند، در میان مفسران گفتگو است، ولی ظاهرا هدف از این جمله این است که به مجرد اینکه میوه بر درختان، و خوشه و دانه در زراعت آشکار شود، بهره گرفتن از آنها مباح و جائز است، اگر چه حق مستمندان هنوز پرداخته نشده است و این حق را تنها در موقع چیدن میوه و در درو کردن (يوم الحصاد) باید پرداخت (دقت کنید).

۳ - منظور از این حق که بهنگام درو باید پرداخت چیست؟ بعضی معتقدند همان زکات واجب، یعنی یکدهم و یک بیستم است، ولی باتوجه به اینکه این سوره در مکه نازل شده و حکم زکات در سال دوم هجرت و یا بعد از آن در مدینه

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۶

نازل گردیده است، چنین احتمالی بسیار بعید به نظر می‌رسد. در روایات فراوانی که از اهل بیت (علیهم‌السلام) به ما رسیده و همچنین در بسیاری از روایات اهل تسنن این حق، غیر از زکات معرفی شده و منظور از آن چیزی است که بهنگام حضور مستمند در موقع چیدن میوه و یا درو کردن زراعت به او داده می‌شود، و حد معین و ثابتی ندارد. و در این صورت آیا این حکم واجب است یا مستحب، بعضی معتقدند که یک حکم وجوبی است که قبل از تشریع حکم زکات بر مسلمانان لازم بوده ولی بعد از نزول آیه زکات، این حکم منسوخ شد، و حکم زکات با حد و حدود معینش به جای آن نشست.

ولی از روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) استفاده می‌شود که این حکم نسخ نشده و به عنوان یک حکم استحبابی هم اکنون به قوت خود باقی است. ۴ - تعبیر به کلمه یوم ممکن است اشاره به این باشد که چیدن میوه‌ها و درو کردن زراعت‌ها بهتر است در روز انجام گیرد، اگر چه مستمندان حاضر شوند و قسمتی به آنها داده شود، نه اینکه بعضی از افراد بخیل، شبانه این کار را بکنند، تا کسی با خبر نشود، در روایاتی که از طرق اهل بیت (علیهم‌السلام) به ما رسیده نیز روی این موضوع تاکید شده است.

↑ فرست